

بررسی مقاله حواء در دائرة المعارف الاسلامیة

نویسنده: جلی - ایزنبرگ (j. Eisenberg)

بررسی و نقد: علیرضا نوبیری

کارشناسی ارشد تفسیر و علوم قرآن

دکتر محمد حسن زمانی

عضو هیئت علمی جامعه المصطفی ص العالمیة

چکیده

نویسنده مقاله حوا به دنبال اثبات هماهنگی بیانات و معارف قرآن با کتاب مقدس است و می‌کوشد القاء کند که معارف قرآن در این زمینه برگرفته از تورات و انجیل می‌باشد، ولی در بررسی ادعاهای ایشان مشخص گردید که این برداشت نادرست است و میان این دو منبع دین شناخت در بسیاری از موارد اختلاف هست و در زمینه آفرینش حوا نیز هیچ گونه هماهنگی دیده نمی‌شود.

نویسنده به علت نام‌گذاری حوا اشاره می‌کند، ولی در بررسی مشخص گردید که علت ادعا شده درست نیست. در نهایت او در پی اثبات حقارت زن در جامعه بشری و استناد آن به عملکرد حضرت حوا است که این ادعا نیز با بررسی‌های لازم مردود دانسته شد.

واژه‌های اصلی: قرآن، حوا، انجیل، تورات و آفرینش.

مقدمه

دایرة المعارف الاسلامیه در کشور هلند توسط برخی نویسندگان غیر مسلمان و گاه مسلمان به نگارش در آمد. در این مجموعه که پانزده جلد آن به عربی ترجمه شده، موضوعات گوناگون اعتقادی، فقهی و تاریخی گنجانده شده است. این گونه نوشته‌ها می‌تواند با اهداف گوناگونی همراه باشد، از جمله: شناساندن اسلام به دیگران با معرفی نظریات اسلام در مورد موضوعات مختلف، رسیدن به راهی آسان‌تر برای مبارزه با اسلام، معرفی اسلام با نگاهی غیر اسلامی یا اثبات غیر مستقیم این مطلب که کتب و حیاتی پیشین مانند تورات و انجیل آبخور اسلام است؛ البته راه مقابله با آن اهداف نقد علمی مطالب و پی‌ریزی بحث‌های عالمانه می‌باشد.

نویسندگان دایرة المعارف الاسلامیه به موضوعات گوناگونی، از جمله معرفی شخصیت‌های تاریخی توجه کرده‌اند و شخصیت «حوا» از جمله این شخصیت‌ها است و نویسنده مقاله سعی کرده چهره اسلامی حوا را با منابع یهودی تطبیق دهد. مقاله «حوا» در دایرة المعارف را می‌توان به چند بخش تقسیم و هر بخش را با قرآن و روایات اسلامی مقایسه و نقد کرد.

اول: آفرینش حوا

در مقاله حوا آمده است:

«حوا همسر آدم است که در بهشت و از دنده چپ آدم، در حالی که در خواب بود و دردی احساس نمی‌کرد؛ آفریده شد. واگر چنین نبود محبت و مودتی میان مرد و همسر خود به وجود نمی‌آمد. و چون حوا از یک موجود زنده آفریده شد نام او را حوا گذاشت. آفرینش آدم از خاک و حوا از استخوان به این منجر شد که مرد با گذر زمان زیباتر و زن زشت‌تر می‌شود» (دائرة المعارف اسلامی، ۸ / ۱۳۵).

نکات این بخش

۱. حوا همسر آدم است.
۲. حوا در بهشت آفریده شد.
۳. مواد آفرینش حوا دنده چپ آدم با کیفیتی خاص بود.
۴. عامل محبت میان زن و مرد، همان شیوه آفرینش حوا می‌باشد.
۵. علت نام‌گذاری به حوا، نوع آفرینش او بود.

۶. چگونگی آفرینش آدم و حوا، با گذر زمان، در زیبایی و زشتی چهره مردان و زنان مؤثر است.

بررسی

الف: کیفیت آفرینش حوا در کتاب مقدس

۱. تورات

«... ولی آدم بین حیوانات عالم همانندی برای خود نیافت لذا خداوند آدم را به خوابی عمیق فرو برد و در حالی که خواب بود یکی از دنده‌های او را گرفت و به جای آن گوشت گذاشت. خداوند با این دنده زنی آفرید و او را نزد آدم آورد. آدم گفت: این زن حالا استخوانی از استخوان من و گوشتی از گوشت من است نام او امرأه باشد چون از امرأ گرفته شده است. به همین علت مرد پدر و مادر خود را رها کرده و با همسر خود یکی می‌شود و مانند جسمی واحد می‌گردند». (تورات، سفر پیدایش، فصل ۲، شماره ۲۱ - ۲۴).

«و آدم زن خود را حوا نامید زیرا که او مادر جمیع زندگان است» (همان ۳۰، آیه ۲۳).

۲. تلمود

الف: «خداوند آدم را به خوابی عمیق فرو برد و یکی از دنده‌های او را برداشت و در عوض همسری به او عرضه کرد تا وی را خدمت کند». (تلمود، سنمدرین، ۱۳۹ الف).

ب: «خداوند این نکته را مورد توجه قرار داد که زن را از کد امین عضو آدم بیافریند. او فرمود: من زن را از سر آدم نمی‌آفرینم تا اینکه سبکسر نگردد و سر خود را از روی نخوت و غرور بالا نگیرد. نه از چشم تا آنکه بسیار کنجکاو نباشد و نه از گوش تا آنکه استراق سمع نکند و سخن چین نشود و نه از دهان تا آنکه پرحرف و وراج به بار نیاید و نه از دل تا آنکه حسود نشود و نه از دست تا آنکه هرزه دست نشود و نه از پا تا آنکه ولگرد نباشد. من زن را قسمتی از بدن آدم که همواره پوشیده و نهفته است می‌آفرینم تا آنکه موجودی محجوب و عقیف به بار آید» (داستان پیامبران در تورات، تلمود، انجیل و قرآن...، محمد لاریجانی، ۱۳).

ج: چرا مرد به دنبال زن می‌رود، ولی زن چنین نیست؟

این مشابه آن است که مرد چیزی را از دست داده باشد؛ چه کسی به دنبال آن می‌رود؟ کسی که چیزی گم کرده به دنبال گمشده می‌رود. دنده‌ای که حوا از آن ساخته شد، از آدم برداشته شده بود.

چرا مرد صورتش را به سمت پائین نگه می‌دارد و زن به سوی صورت مرد؟
چون مرد به آن چه خلق شده می‌نگرد و زن نیز (همان، ص ۱۴).

ب: چگونگی آفرینش حوا در قرآن و روایات

موضوع آفرینش و پیدایش حیات در زمین از مباحث مهم و پیچیده علم و دین است. در قرآن کریم مباحث کلی آفرینش و آفرینش انسان به طور خاص، با بیان‌ها و عبارت‌های گوناگون مطرح شده است.

با توجه به روش اجمال‌گویی قرآن در مورد مسایل مختلف و اختلاف بیان روایات، در بحث از آفرینش انسان به طور عام و خلقت زوجه آدم به طور خاص، نظریه‌های متعدد بین صاحب نظران و مفسران به وجود آمده است. در ذیل به طرح برخی آیات مرتبط با موضوع بحث، و بررسی تفاسیر گوناگون می‌پردازیم.

یک: چگونگی آفرینش حوا در قرآن کریم

آیه نخست: سوره نساء، آیه ۱

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً».

سؤالی که در مورد آیه مطرح می‌شود، این است که مراد از «خَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا» چیست؟ در این مورد نظریه‌های مختلفی بیان شده است.

۱. نویسنده تفسیر مجمع البیان:

«ذهب اکثر المفسرين الى أنها خلقت من ضلع من اضلاع آدم» (مجمع البیان، ۳ / ۷).

با توجه به این بیان «من» در «منها» تبعیضیه معنا شده است.

۲. علامه طباطبایی: مراد از نفس واحده آدم و مراد از زوج همسر آدم - حوا -

می‌باشد. ایشان مراد از «من» را چنین بیان می‌کند:

«وظاهر الجملة اعنى قوله: «وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا» انها بيان لكون زوجها من نوع بالتمائل وان هؤلاء الافراد المبتوثين مرجعهم جميعاً الى فردين متمثلين و متشابهين فلفظة من نشويه و الايه في مساق قوله تعالى: وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً (روم / ۲۱)... فما في بعض التفاسير: ان المراد

بالایه کون زوج هذه النفس مشتقه منها وخلقها من بعضها وفاقاً لما فی بعض الاخبار: ان الله خلق زوجة آدم من ضلع من اضلاعه مما لادلیل علیه من الایه» (المیزان، ۴ / ۱۳۶).
 ۳. صاحب تفسیر نمونه: نظر علامه را تأیید می‌کند و قول دیگر را مردود می‌داند.
 ۴. صاحب تفسیر المنار: آیه را از موضوع بحث خارج کرده‌اند و می‌گویند:
 «لیس المراد بالنفس الواحد آدم بالنص ولا بالظاهر فمن لامسین من یقول ان کل نداء مثل هذا یراد به اهل مکه او قریش فاذا صح هذا هنا جازان یفهم منه بنو قریش ان النفس الواحده هی قریش او عدنان و اذا کان الخطاب للعرب عامه جازان یفهموا منه ان المراد بالنفس الواحده یعرب او قحطان و اذا قلنا ان الخطاب لجميع اهل الدعوه الی الاسلام ای لجميع الامم فلا شک ان کل امة تفهم منه ما تعتقده...» (تفسیر القرآن العظیم (المنار)، محمد رشید رضا، ۴ / ۲۶۷).

۵. اکثر مفسران اهل سنت: دیدگاه اول را صحیح می‌دانند و با روایات وارد در باب تطبیق می‌دهند (التفسیر المنیر ج ۴، ص ۲۲۳)، ولی برخی دیگر از مفسران عامه دیدگاه علامه را صحیح می‌دانند (تفسیر قاسمی (محاسن التأویل) ۲ / ۲۱۱).

آیه دوم: سوره زمر، آیه ۶.

«خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا»

۱. علامه طباطبائی: «مراد از نفس واحد آدم ابوالبشر است که آیات مشابه آن را تأیید می‌کند و مراد از زوج نیز همسر آدم می‌باشد که از لحاظ آفرینش، آفرینشی مشابه و همانند با او دارد» (المیزان، ۱۷ / ۲۳۸).

۲. آیه الله مکارم شیرازی می‌نویسد:

«تعبیر (ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا) در واقع اشاره به این است

که خداوند آدم را آفرید و سپس همسرش را از باقیمانده گل او خلق کرد. [در ادامه می‌گوید] روی این حساب آفرینش حوا بعد از آفرینش آدم بوده است و قبل از آفرینش فرزندان ایشان. این نکته نیز لازم به یادآوری است که آفرینش همسر آدم از اجزای وجود آدم نبوده، بلکه از باقیمانده گل او صورت گرفته است چنانچه در روایات اسلامی به آن تصریح شده است و اما روایتی که می‌گوید حوا از آخرین دنده چپ آدم آفریده شده است، سخن بی‌اساسی است که از بعضی روایات اسرائیلی گرفته

شده و هماهنگ با مطلبی است که در فصل دوم از سفر تکوین تورات تحریف شده کنونی آمده است» (نمونه، ۱۹ / ۳۸۰).

۳. مراغی: مراد آیه را آفرینش مشابه و هم جنس می‌داند و می‌نویسد:

«ای خلقکم علی اختلاف السننکم والوانکم من نفس واحدة وهی آدم ثم جعل من جنسها زوجها و هی حواء».

۴. فخر رازی: در ابتدا آفرینش حوا را از دنده چپ آدم می‌داند، ولی در ادامه این قول را ضعیف می‌داند و می‌گوید:

«اقول هذا الکلام مشکل لانه تعالی لما کان قادراً علی ان یخلق آدم ابتداءً فما الذی حملنا علی ان نقول انه تعالی خلق حوا من جزء اجزاء آدم؛ و لم لا نقول انه تعالی خلق حوا ایضاً ابتداءً؟» (تفسیر کبیر، ۱۵ / ۸۹).

دو: چگونگی آفرینش حوا در روایات

از آفرینش حوا در روایات اسلامی با بیان‌های گوناگون یاد شده است. برخی روایات که از صحابه نقل شده، آفرینش او را از دنده چپ آدم دانسته‌اند و گروه دیگر که از طریق معصوم روایت شده‌اند، این اعتقاد را نکوهش کرده‌اند.

۱. عن مجاهد فی قوله: «ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا» قال حواء من قصیری آدم وهو نائم فاستیقظ. (جامع البیان عن تأویل آی القرآن، قرآن ۶ / ۳۴۱). این روایت از قتاده نیز نقل شده است (همان).

۲. عن السدی قال: اسکن آدم الجنة فکال یمشی فیها وحشیاً لیس له زوج یسکن الیها فنام نومةً فاستیقظ واذا عند رأسه امرأة. قاعده خلقها الله من ضلعه فسألها: ما انت؟ قالت امرأة قال و لم خلقت؟ قال تسکن الی (همان).

۳. عن ابن اسحاق: الفی علی آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ السنه - فیما بلغنا عن اهل الکتاب من اهل التوراة و غیرهم من اهل العلم عبدالله بن عباس و غیره - ثم اخذ ضلعاً من اضلاعه من شقه الایسر و لأم مکانه لحماً و آدم نائم لم یهبب من نومته حتی خلق الله من ضلعه تلک زوجته حواء فسواها امرأة یسکن الیها... [در ادامه عبارت تورات را ذکر می‌کند.] (همان).

این موضوع از زبان معصومان به دو بیان وارد شده است؛ در یک بیان ماده آفرینش دنده چپ آدم دانسته شده است و در بیان دیگر این اعتقاد به شدت

نکوهش شده است. این گروه از روایات آفرینش را ابتدایی و مواد آن را باقیمانده گل آدم می دانند.

۱. قال ابو عبدالله علیه السلام: سمیت حواء حواء لانها خلقت من حی. قال الله - عزوجل - «خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا» (بحار الانوار، ۱۱ / ۱۰۰).

۲. عن ابو بصیر: سأل طاوس الیمانی ابا جعفر علیه السلام: لم سمی آدم آدم؟ قال لانه رفعت طینته من اديم الارض السفلی قال فلم سمیت حواء حواء قال لانها خلقت من ضلع حی یعنی ضلع آدم (همان).

این بیان در روایات مرسله نیز وارد شده است.

۳. محمد بن علی بن الحسین باسناده عن زراره بن اعین انه قال: سئل ابو عبدالله علیه السلام عن خلق حواء و قيل له ان عندنا أناساً يقولون: ان الله خلق حوا من ضلع آدم الايسر الاقصى فقال علیه السلام: سبحان الله و تعالی عن ذلك علواً كبيراً يقولون! من هو يقول؟ ان الله لم يكن له من القدرة ما يخلق لادم زوجة من غير ضلعه ويجعل للمتكلم من اهل التشنيع سبيلاً الى الكلام ان يقول: ان ادم كان ينكح بعضه بعضاً اذا كانت من ضلعه ما لهؤلاء حكم الله بينا و بينهم... (وسائل الشیعه، ۲۰ / ۳۵۲).

۴. عن عمرو بن ابی المقدام عن ابیه قال: سألت ابا جعفر علیه السلام من ای شیء خلق الله حواء؟ فقال علیه السلام ای شیء يقولون هذا الخلق؟ قلت يقولون ان الله خلقها من ضلع من اضلاع آدم. فقال علیه السلام كذبوا كان يعجزه ان يخلقها من غير ضلعه؟ فقلت جعلت فداك يابن رسول الله من ای شیء خلقها فقال: اخبرني ابی عن آیاته قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: ان الله تبارک و تعالی قبض قبضة من طین فخلقها بيمينه و كلتا يديه بيمين فخلق منها آدم و فضلت فضلة من الطین فخلق منها حواء.

علامه مجلسی چند توجیه درباره مراد از جمله «كلتا يديه بيمين» ذکر کرده است.

۱. مراد از دست، قدرت است و یمین کنایه از قدرت خداوند بر مبنای لطف، احسان و رحمت می باشد و شمال کنایه از قدرت خداوند بر مبنای غضب و بلاها

می‌باشد و مراد از اینکه هر دو دست خداوند یمین است، این است که غضب خداوند نیز لطف و خیر است.

۲. منظور کامل بودن و بدون نقص بودن خداوند است.

۳. مراد یمین ملک است که با آن دستور می‌دهد و اینکه هر دو دست او در کمال و قدرت یکسان هستند (بحارالانوار، ۱۱ / ۱۰۶).

ج: فقه و آفرینش حوا

نزاع در چگونگی آفرینش حوا در برخی ابواب فقه تأثیر گذاشته است. تعدادی از فقها در بحث تمییز مرد و زن بودن خنثی راه‌هایی را پیشنهاد می‌کنند که یکی از آنها شمارش دنده‌های فرد است. گفته‌اند: اگر دنده دو طرف بدن مساوی باشد، آن فرد زن وگرنه مرد است. این ادعا را با این روایت که حوا از دنده آدم خلق شده، لذا مردان از سمت چپ سینه یک دنده کمتر از زنان دارند، مستدل کرده‌اند و گفته‌اند زنان مجموعاً ۱۸ دنده و مردان ۱۷ دنده دارند. این فتوا از طرف بزرگانی مانند: شیخ مفید، سید (ره)، ابن ادریس و... نقل شده است (المهذب البارع، ۴ / ۴۲۷).

در کتاب‌های فقهی دیگر نیز در باب زنا چنین آمده است: اگر فردی زنا کرد و فرزندی متولد شد، این کودک از نظر فقهی به گونه‌ای که احکام ابوت و بنوت جاری شود - به پدر و مادر منتسب نمی‌شود، ولی در پاسخ به این سؤال که آیا این کودک به پدر و مادر خود حرام می‌شود یا نه؟ برخی از فقها قایل به حرمت شده‌اند؛ زیرا به هر حال این کودک از طریق مرد متولد شده است و از طرفی نیز انسان نمی‌تواند با خود یا جزئی از خود ازدواج کند. این دسته از فقها چنین استدلال کرده‌اند:

«كما ورد في بعض النصوص [الواردة] النافية لخلق حواء من آدم» (جواهر الکلام، ۲۹ / ۲۵۷).

د: علت نام‌گذاری حوا

همان گونه که بیان روایات در چگونگی آفرینش مختلف بود، در نام‌گذاری نیز میان روایات اختلاف وجود دارد. در برخی روایات علت نام‌گذاری همان است که در مقاله وارد شده است، یعنی نوع آفرینش حوا در نام‌گذاری او مؤثر بود. نمونه‌ای از روایات چنین است:

«حکی اسدی عن ابی صالح و ابی مالک عن ابن عباس عن مرة عن ابن مسعود وعن ناس من الصحابه انهم قالوا: اخرج ابليس من الجنة واسکن آدم الجنة فکان یمشی فیها وحشياً لیس له فیها زوج یسکن الیها فنام نومة فاستیقظ وعند رأسه امرأة قاعده خلقها الله من ضلعه. فسألها ما انت؟ قالت: امرأة قال ولم خلقت؟ قالت لتسکن الیّ فقالت له الملائكة ینظرون ما بلغ من علمه: ما اسمها یا آدم؟ قال حواء ولم کانت حواء؟ قال لانها خلقت من شیء حی» (تفسیر طبرسی، ۱ / ۱۰۳؛ بحار الانوار، ۴۶ / ۳۲۵).

صدر این روایت هماهنگ با تورات است، ولی ذیل آن با تورات همخوانی ندارد و به نظر می‌رسد اجتهاد راوی باشد. به هر حال این روایت ارسال سندی دارد. همچنین اسباط بن نصر در سلسله سند روایت قرار دارد که علماء رجال او را کثیر الخطا در بیان روایات توصیف کرده‌اند، لذا روایت قابل استناد نمی‌باشد.

از برخی روایات شیعه استفاده می‌شود که خداوند همسر آدم را حوا نامید و حضرت آدم علیه السلام در این نام‌گذاری دخالتی نداشت. نمونه‌ای از روایات این گروه چنین است:
 امام صادق علیه السلام بعد از بیان چگونگی آفرینش حوا، می‌فرماید:

نَظَرَ (آدم) الی خلق حسن یشبه صورته غیر انها انشی فکلمها و کلمته بلغته فقال لها من انت؟ فقال انا خلق خلقتنی الله تعالی کما تری فقال آدم عند ذلك: یا رب ما هذه الخلق الحسن الذی قد آنسنی قربه و النظر الیه؟ فقال الله تعالی: یا آدم هذه امتی حوا...» (قصص الانبیاء، ۶۱؛ النور المبین فی قصص الانبیاء و المرسلین، ۶۲ و...).

فقد:

آن چه گفته شد، بخشی از متن مقاله حواء و مطالبی از مفسران شیعه و اهل سنت در موضوع مورد بحث و برخی روایات و آیات ناظر به خلقت حوا بود. اینک به بررسی آنها می‌پردازیم.

۱. تورات فعلی آفرینش حوا را از دنده چپ آدم می‌داند و تصریح می‌کند که خداوند متعال بعد از آفرینش آدم برای این که حضرت تنها نباشد، خواب را بر او مسلط کرد و دنده‌ای از او جدا نمود و جای آن را با گوشت پر کرد و سپس حوا را آفرید. این بیان با تمام جزئیات در بخشی از روایات اسلامی وارد شده است، ولی در قرآن کریم نیامده است؛ بلکه قرآن با اجمال از موضوع آفرینش حوا گذشته است.

۲. تورات علت آفرینش حوا را تنها بودن آدم ذکر می‌کند، ولی قرآن کریم علت خلق حوا را رسیدن به آرامش روحی - روانی مرد و ایجاد نسل می‌داند. به عبارت روشن در تورات زن (حوا) طفیل مرد و در قرآن مکمل اوست.

۳. در قرآن کریم سخنی از اسم همسر آدم به میان نیامده، ولی در تورات و روایات اسلامی نام او ذکر شده است.

۴. همان طور که در مبانی بحث بیان شد، خداوند قادر مطلق و نسبت به هر کاری توانا می‌باشد. با این مقدمه باید گفت: با توجه به ظاهر برخی روایات صحیح، علت آفرینش حوا از دنده آدم باید ناشی از عدم قدرت خداوند در خلقت ابتدائی او باشد که با مبنای بحث - که با دلایل عقلی و نقلی فراوان همراه است - سازگار نمی‌باشد. پس این گونه روایات که خلقت را از دنده چپ آدم می‌دانند، قابل استناد نمی‌باشند.

۵. بخشی از روایات تفسیری از منابع اهل کتاب به منابع اسلامی راه یافته‌اند، لذا بنابر نظر بسیاری از صاحب نظران عنوان روایت اسرائیلی حامل بار منفی و مردود است، پس این گروه از روایات قابل استناد نمی‌باشند. برخی دیگر از صاحب نظران این عنوان را خنثی دانسته‌اند و گفته‌اند روایاتی که با دلیل معتبر دیگر تأیید شود، قابل استناد است که در هر صورت در مورد بحث ثمره‌ای ندارد.

۶. برخی کتب اهل کتاب مانند تلمود علت آفرینش حوا از دنده آدم را عقیف ماندن همیشگی زن معرفی می‌کنند، در حالی که این اراده تکوینی خداوند در خارج محقق نشد و برعکس نوع زنان میل به خودنمایی و تبرج دارند. پس این علت مردود است. همین موضوع باعث رد اصل ادعا می‌گردد، زیرا تخلف از اراده تکوینی خداوند محال است.

۷. گفته شد قرآن کریم آفرینش حوا را با اجمال - «وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا» - بیان کرده است و این امر باعث شد روایات اسرائیلی مورد پذیرش مسلمانان واقع شوند و در نهایت به کتب تفسیری راه یابند. در حالی که این گونه آیات هیچ دلالتی بر آفرینش حوا از دنده آدم ندارند؛ زیرا ماده «خلق» به معنای آفرینش ابتدایی است، اما ادعای این روایات آفرینش او از موجودی دیگر بود. علاوه این که آیاتی مانند «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا...» (روم / ۲۱) جوابی به روایات است، زیرا در این آیه و آیات مشابه آفرینش زنان به مردان نسبت داده شده است؛ حال آنکه تنها جایی که این مسئله ادعا شده است، آفرینش حوا می‌باشد. نتیجه این که معنای «من» در این آیات تبعیضیه

نیست، بلکه یا نشویه است (المیزان، ۴ / ۱۳۶) یا به معنای ابتدای غایت می‌باشد (تفسیر کبیر، ۹ / ۱۶۱) که در هر صورت ادعای روایات ثابت نمی‌شود.

۸. در آیه ششم سوره زمر از آفرینش حوا با فعل «جعل» و در سوره نساء با فعل «خلق» یاد شده است. در مورد علت تغییر در تعبیر باید چنین گفت:

ماده «خلق» در اصل به معنای اندازه‌گیری مستقیم است، ولی در مورد ایجاد و ابداع شیء، بدون حالت پیشین، به کار می‌رود. این معنا بیشتر در مورد خداوند کاربرد دارد (مفردات راغب، ۲۹۶).

ماده «جعل» که لفظ عام است، نسبت به افعال به کار می‌رود و در چند مورد از جمله ایجاد چیزی از چیز دیگر کاربرد دارد (همان، ۱۹۷).

راه جمع دو بیان این است که بگوییم حوا مانند آدم عَلَيْهِ السَّلَام آفرینشی نو و ابتدایی داشت، لذا در آیه اول سوره نساء لفظ «خلق» به کار رفت، ولی در سوره زمر چون خدا در مقام بیان زمان خلقت بود و عطف نیز با «ثم» صورت گرفت، آفرینش او ناظر به آفرینش آدم عَلَيْهِ السَّلَام می‌باشد. در این جا اعجاز بیانی قرآن اقتضا می‌کند فعل «جعل» به کار رود که بر این مطلب دلالت دارد.

با توجه به بیان برخی روایات صحیح در مسئله، که خلقت حوا را از باقیمانده گل آدم می‌دانند، این دو تعبیر توجیه می‌شود.

۹. در مورد همراهی برخی روایات اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام با روایات اهل سنت چند توجیه را می‌توان بیان کرد:

اول: روایات در مقام تقیه صادر شده‌اند یا حوا از طینت استخوانی از استخوان‌های آدم آفریده شد. این دو توجیه در گفتار علامه مجلسی آمده است (بحارالانوار، ۱۱ / ۱۲۶).

دوم: این گونه تعبیر کنایی‌اند و منظور این است که جهت جسمانی و حیوانی در زنان از مردان قوی‌تر است. این مطلب را فیض کاشانی در توجیه روایت ذکر کرده است (تفسیر عیاشی، ۱ / ۲۱۶).

سوم: روایت در مقام بیان فرق نداشتن میان زن و مرد می‌باشد و بیان می‌کند که مرد از زن و زن از مرد است (کاشف، ۱ / ۸۵).

۱۰. در تورات و روایات اسرائیلی چنین آمده بود: خداوند هنگام آفرینش حوا خواب را بر آدم علیه السلام مسلط کرد و در آن حال دنده‌ای از او جدا نمود و حوا را آفرید. تعبیر فوق‌گویی این مطلب است که خداوند در پی آن است که آدم علیه السلام از کیفیت خلقت آگاه نشود! این در حالی است که آدم علیه السلام در همان لحظه نخست که حوا را می‌بیند، می‌گوید: این استخوانی از استخوان‌های من و گوشتی از گوشت‌های من است. این گونه تعبیر دوگانگی در بیان و پریشانی گفتار را نتیجه می‌دهد.
۱۱. نتیجه گفتار این شد: در قرآن کریم از آنچه در برخی از کتب مذهبی هست، مانند این که زن از مایه پست‌تر از مایه مرد آفریده شد یا زن جنبه طفیلی و چپی دارد و همسر آدم اول از عضوی از اعضای طرف چپ او آفریده شد، خبری نیست.
۱۲. علت نام‌گذاری حوا در تورات و روایات اسرائیلی هماهنگ با نوع آفرینش بیان شده است و گفته شده این نام‌گذاری به آن دلیل است که مادر همه زندگان است یا چون از یک موجود زنده آفریده شد، حوا نام گرفت!
- این بیان در صورتی صحیح است که ریشه لفظ حوا از «حیی» باشد، اما لغت دانان گفته‌اند ریشه آن «حو» به معنای سرخی مایل به سیاهی است. (لسان العرب، ۳، ۴۰۷). این تعبیر بیانگر زیبایی چهره حوا می‌باشد و برخی روایات نیز آن را تأیید می‌کنند، مانند:
- «حق تعالی نیکویی چهره و زیبایی و جمال را میان همه آدمیان و حوا صد جزء آفرید که نود و نه بخش را به حوا و یک جزء را به همه آفریده‌ها داده است» (قصص الانبیاء، ۳۷).
- در ادامه باید گفت اصل نام‌گذاری - با توجه به روایات صحیح - از ناحیه خداوند صورت گرفت و حضرت آدم نقشی در آن نداشت.
۱۳. در مقاله آمده است که نوع آفرینش و مواد آن در زیبا یا زشت شدن چهره مرد و زن مؤثر است.
- در این مورد باید گفت:
- اولاً: این مطلب در منبع آدرس داده شده نیامده است.

ثانیاً: این سخن تنها یک ادعا می‌باشد و واقعیت ندارد، زیرا سختی‌های زایمان و امور دیگر باعث پیری زودرس در زنان می‌باشد؛ نه نوع و مواد آفرینش.

ثالثاً: تلازمی میان خلقت از استخوان با زشت شدن چهره با گذشت زمان و زیبا شدن چهره با آفرینش از خاک وجود ندارد! اگر چنین باشد، باید زن نیز مانند مرد به مرور زمان زیبا شود، چون استخوان مرد نیز از خاک گرفته شده است.
 ۱۴. برخی از مفسران این ادعا را مخالف حس دانسته‌اند، زیرا دنده‌های زن و مرد یکسان است.

استفاده فقها نیز از این روایات در تشخیص خنثی، تنها پذیرش اصل موضوعی است و لازم است در آن تجدید نظر شود. البته باید گفت برخی از فقها به این فتوا جواب داده‌اند. مرحوم محقق در شرایع می‌گوید:
 «روایت از نظر سند ضعیف است و استدلال و احتجاج شیخ مفید و سید مرتضی به اجماع نیز صحیح نیست، زیرا اجماع تحقق ندارد» (شرایع الاسلام، ۴ / ۴۵).

منابع

۱. ابن خلف نیشابوری، ابواسحاق ابراهیم بن منصور، قصص الانبیاء، انتشارات زرین و نگارستان، تهران، ۱۳۸۱ ش.
۲. ابن کثیر الدمشقی، اسماعیل، تفسیر القرآن العظیم، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۱۳ ق.
۳. ابن منظور، لسان العرب، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۸ هـ.
۴. ابوالقاسم الحلّی، جعفر بن حسن نجم الدین، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، منشورات دارالاضواء، بیروت، ۱۴۰۳ هـ.
۵. جزایری، سید نعمت الله، النور المبین فی قصص الانبیاء، المرسلین.
۶. جوادی آملی، عبدالله، توحید در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم.
۷. حلّبی، ابن فهد، المهذب البارع، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۱۲ هـ.
۸. حویزی، عبد علی بن جمعه، نورالثقلین، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۵ هـ.
۹. د، فتن مسیله، حوا و الخطیئه فی التوراة والانجیل و القرآن، موسسه معارف، بیروت، بی تا.
۱۰. دیاری، محمد تقی، پژوهشی در باب اسرائیلیات در تفاسیر قرآن، دفتر پژوهش و نشر سهروردی، تهران، ۱۳۷۹.
۱۱. ذهبی، محمدحسین، التفسیر و المفسرون، دارالکتب الدینیة، قاهره، ۱۳۸۱ هـ.
۱۲. رازی، فخرالدین، تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب)، دارالکتب الاسلامیه، بیروت.
۱۳. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، المکتبه الرضویه، تهران، ۱۳۳۲ ش.
۱۴. راوندی، قطب الدین، قصص الانبیاء، موسسه هادی، قم، ۱۴۱۸ هـ.
۱۵. رضا، محمد رشید، تفسیر القرآن العظیم (المنار)، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
۱۶. زحیلی، وهبه، التفسیر المنیر، دارالفکر المعاصر، بیروت، بی تا.
۱۷. السمرقندی، بن عیاش، تفسیر عیاشی، ابی النفر محمدبن مسعود، مکتبه العلمیه الاسلامیه، تهران، بی تا.
۱۸. طباطبائی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم، ۱۴۱۷ هـ.
۱۹. الطبری، محمد بن جریر، جامع البیان عن تأویل آی القرآن، مرکز البحوث و الدراسات العربیه و الاسلامیه، بی جا، بی تا.
۲۰. العاملی، الحر، وسایل الشیعہ، آل البیت لاحیاء التراث، قم، ۱۴۱۴ هـ.
۲۱. عیدوردانی، قصه الخلق من العرش الی الفرش، نشر الشركه العصریه و المركز الرولی للنشر، بی جا، بی تا.
۲۲. فضل بن حسن، الطبرسی، امین الاسلام، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ناصر خسرو، تهران، ۱۳۶۵.
۲۳. قاسمی، محمدجمال الدین، محاسن التأویل (تفسیر قاسمی)، موسسه تاریخ عربی، بیروت، بی تا.
۲۴. کاشف، محمد جواد مغنیه، دارالعلم للملایین، بیروت، بی تا.
۲۵. لاریجانی، محمد، داستان پیامبران در تورات، تلمود، انجیل و قرآن...، انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۸۰.
۲۶. محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، موسسه الوفاء، بیروت، بی تا.
۲۷. مراغی، احمد مصطفی، تفسیر مراغی، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۸ هـ.
۲۸. مکارم شیرازی، و همکاران، ناصر، نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۳ ش.
۲۹. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، مکتبه الاسلامیه، قم، ۱۲۶۶ هـ.
۳۰. نقی پورفر، ولی الله، بررسی شخصیت اهل بیت در قرآن، مرکز آموزش مدیریت دولتی، تهران، بی تا.
۳۱. ویلیام گلگن و هنری مَرتن، کتاب مقدس، ترجمه: فاضل خان همدانی، انتشارات اساطیر، تهران، ۱۳۸۰ ش.